

طرد عینی و ذهنی جوانان در ایران

مریم قاضی نژاد^۱

فاطمه رهنما^۲

کیانا کلهر^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۸/۹

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۸/۲۶

گشوده شدن پنجره جمعیتی جوان متولدان دهه های ۱۳۶۰ و ۱۳۷۰ (نسل پرزائی) به روی جامعه ایران، در شرایط گذار اقتصادی- اجتماعی و در بستر تحولات فرهنگی و سیاسی چند دهه اخیر، به منزله فرصتی طلایی برای استفاده از پتانسیل رشد موجود در جمعیت جوان برای تحقق اهداف توسعه ملی محسوب می شود. متأسفانه، فقدان یا ضعف سیاست اجتماعی هدفمند، برنامه ریزی بلند مدت و اندیشیدن تمهیدات لازم برای نیازهای رشد، حمایت و تامین رفاه آنان در چرخه زندگی از کودکی تا بزرگسالی کارآمد و مستقل، موجب بروز تهدیدات مختلف علیه قشر (نسل) جوان مذکور و نیز جامعه در حال توسعه ایران گردیده است. در چنین شرایطی، سنجش و ارائه تصویری جامع از وضعیت جوانان در ایران در چارچوب رویکرد نوین و حقوق محور طرد و ادغام اجتماعی می تواند توجهات لازم را برانگیزد، شناخت و ارزیابی دقیقتری از موقعیت و وضعیت اجتماعی- اقتصادی و مسائل جمعیت جوان به دست دهد و راهگشای سیاستگزاران و نهادهای متولی ساماندهی و مرتبط با امور جوانان باشد.

در این راستا، پژوهش حاضر با هدف بررسی تجربی وضعیت جوانان در ایران، در قالب مفهوم جهانی طرد اجتماعی و عملیاتی سازی آن، میزان طرد و محرومیت یا "عدم ادغام اجتماعی" جوانان در نظام اجتماعی (کلیت جامعه) را در دو سطح عینی و ذهنی مورد مطالعه قرار داده است. مفهوم طرد عینی در سه بعد ۱- محرومیت مادی، ۲- محرومیت از حقوق اجتماعی اساسی و ۳- محرومیت از ادغام اجتماعی- فرهنگی عملیاتی شده است. مفهوم طرد ذهنی نیز ناظر بر فاصله بین خواسته ها و انتظارات فرد با وضعیت و شرایط واقعی او می باشد.

E-mail: maghazinejad@yahoo.com

^۱ دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه الزهراء(س) (نویسنده مسئول)

^۲ کارشناس ارشد پژوهشگری، دانشگاه الزهراء(س)

^۳ کارشناس ارشد پژوهشگری، دانشگاه الزهراء(س)

نتایج این پیمایش توصیفی-تبیینی که در سطح ملی و طی سال های ۹۳-۱۳۹۱، بر روی نمونه ای به حجم ۴۵۲۲ نفر از جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله، از ۱۲ استان کشور -که به روش نمونه گیری خوشه ای احتمالی چند مرحله ای انتخاب شده بودند- با استفاده از پرسشنامه (استاندارد و بومی سازی شده) به انجام رسیده، نشان می دهد قریب نیمی (۴۵ درصد) از پاسخگویان جوان، طرد اجتماعی عینی (محرومیت چندگانه و مزمن مادی و غیرمادی) را در مسیر حیات و کلیت زندگی خود، به میزان قابل ملاحظه ای (میانگین ۳۴) تجربه کرده اند. نیز حدود نیمی از آنان، با طرد ذهنی (احساس بیرون افتادگی و محرومیت اجتماعی) شدید (میانگین ۶۸/۷) همسازند. همچنین، تفاوت های موجود بین گروه های مختلف جمعیت جوان، در سطوح و ابعاد طرد اجتماعی، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: طرد اجتماعی، طرد عینی، طرد ذهنی، جوانان، محرومیت و ایران



مقدمه و طرح مسئله

گشوده شدن پنجره جمعیتی جوان متولد دهه های ۱۳۶۰ و ۱۳۷۰ به روی جامعه ایران، در شرایط گذار اقتصادی- اجتماعی به سوی پیشرفت و دربستر تحولات فرهنگی و سیاسی دهه های اخیر، به دلیل فقدان سیاست اجتماعی هدفمند، برنامه ریزی بلندمدت و اندیشیدن تمهیدات لازم برای تامین نیاز، حمایت و رفاه آنان درطول حیات و امکان عبور موفق نسل مذکور از مراحل مختلف کودکی، نوجوانی و جوانی به بزرگسالی مستقل و کارآمد، از فرصتی طلایی برای استفاده موثر از سرمایه انسانی و انرژی جوانی جمعیت، تبدیل به تهدیدی جدی و بروز مسائل و مشکلات فعلی در زمینه های اساسی زندگی (آموزش، اشتغال، ازدواج، مسکن، بهداشت، فراغت و فرهنگ) آنان و نیز جامعه و آرمان های توسعه ملی گردیده است. در بررسی های منطقه ای تجربی و سیستماتیک به عمل آمده بر روی وضعیت جمعیت جوان (Silver; 2007. Dhillon & yousef;2007.Salehi-Isfahani;2007) نیز محققان مربوطه، رشد جمعیتی بالا (به عنوان مثال، معادل ۳/۹۱ نفر به ازای هر ۱۰۰ نفر، در فاصله بین سال های ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ در ایران) در بستر شرایط اقتصادی - اجتماعی کلان، همراه با صرف منابع در سرمایه گذاری برای برنامه های توسعه ملی، از یک سو و سیاست رفاه و تامین نیازهای عمده و انبوه نوجوانان و جوانان در چرخه رشد و انتقال به بزرگسالی مطلوب، از سوی دیگر را چالشی ملی در راستای شکل گیری مسئله مشترک "عدم شمول" یا "طرد اجتماعی" جوانان در منطقه خاورمیانه، از جمله ایران دانسته اند.

صاحب نظران و محققان حوزه سیاست و رفاه اجتماعی، مفهوم طرد اجتماعی را برای توصیف وضعیت هایی بکار می برند که در آنها، افراد یا حوزه های گوناگون از ترکیبی از مشکلات به هم پیوسته - مثل عدم اشتغال، عدم مهارت، درآمد پایین، خانواده فقیر، خانواده از هم پاشیده، بیماری و زندگی در محیطی با جرائم بالا-رنج می برند (واحد طرد اجتماعی اروپا، ۲۰۰۱: ۱). بر این اساس، طرد اجتماعی به عنوان پیامد بالقوه مجموعه ای از عوامل خطرزا شناخته می شود. (ورومن: ۲۰۰۷) بنابراین، بهتر است برای طرح دقیقتر مسئله طرد اجتماعی جوانان در ایران نیز به نتایج برخی تحقیقات انجام شده و داده های مرتبط موجود نگاهی بیفکنیم تا تصویری کلی از وضعیت جوانان ایرانی و شرایط زندگی آنان و خانواده هایشان در محورهای اصلی به دست آید.

در مباحث طرد/ ادغام اجتماعی، عامل سلامت (جسمانی، روانی و اجتماعی) از محوریت و اولویت بالایی برخوردار است. در مطالعات نظری و سنجش های تجربی طرد و محرومیت، برخورداری از سلامت کافی از اصلی ترین پیش نیازهای ادغام اجتماعی برای تمام گروه های سنی، از جمله جوانان شناخته شده است؛ به طوری که داشتن بیماری به ویژه معلولیت، از اصلی ترین عوامل خطر ساز طرد اجتماعی افراد و گروه های مختلف می باشد. این در حالی است که طبق آمار موسسه ملی تحقیقات سلامت ایران (۱۳۸۹)، ۱۷/۲۷ درصد جمعیت کشور از حداقل یک معلولیت رنج می برده اند که این میزان برای مردان ۲۲/۴۱ درصد و برای زنان ۱۱/۹۱ و در شهرها ۱۶/۴۶ و در روستاها ۱۹/۰۷ درصد بوده است. از سوی دیگر، بنا بر گزارش خبرگزاری فارس، دکتر احمد علی نوربالا در چهارمین کنفرانس علمی سلامت روان و رسانه در تهران اعلام داشته اند که براساس مطالعات انجام شده بین سال های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۰، میزان شیوع اختلالات روانی در جمعیت ۱۵ تا ۶۴ سال ایران ۲۳/۶ درصد بوده که ۳۴/۷ درصد آنان نیازمند خدمات درمانی بوده اند. این در حالی است که گستره شیوع اختلالات روانی در سال ۱۳۷۸، معادل ۲۱/۵ درصد جمعیت کل کشور بوده است. طبق آمار های موجود، شیوع اینگونه اختلالات در کشور رشدی معادل سالانه ۵/۲ درصد دارد. از سوی دیگر، بهره مندی از بیمه های درمانی همگانی به عنوان بنیانی ترین خدمات دولت ها به شهروندان در حوزه سلامت محسوب می شود. با اینحال، طبق آمار موسسه ملی تحقیقات سلامت ایران در سال ۱۳۸۹، ۱۶/۸۳ از ایرانیان زیر پوشش هیچ نوع بیمه ای نبوده اند^۱ و تنها ۱۲/۴۶ درصد آنها زیر پوشش بیمه های تکمیلی قرار داشته اند.

زندگی در خانواده های فقیر و نیز تک والد، از دیگر عوامل خطرزا در طرد اجتماعی کودکان، نوجوانان و جوانان است که در مباحث جهانی (من جمله تعاریف اتحادیه اروپا) به آن اشاره شده است. طبق آمار IrMIDHS^۲ در سال ۱۳۸۹، ۱۰/۰۸ درصد از کودکان صفر تا ۱۷ ساله ایرانی حداقل با یکی از والدین خود زندگی نمی کرده اند که ۶/۵۳ درصد آنان یکی از والدینشان را به علت فوت از دست داده بودند.

محور مهم دیگر، برخورداری یا محرومیت های مادی - معیشتی است که شاخص فقر مطلق،

^۱ احتمالاً با عملیاتی شدن طرح تحول نظام سلامت و طرح بیمه همگانی سلامت ایرانیان، این آمار در سال ۱۳۹۴ کاهش خواهد یافت.

^۲ IR Multiple- Indicator Demographic and Health

بیانگر کلیت آن است. در این زمینه طبق گزارش وضعیت فقر و نابرابری در ایران در دوره ۹ ساله ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۱ که توسط معاونت رفاه اجتماعی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در اسفندماه ۱۳۹۲ منتشر شده، ۳۳ درصد از خانوارهای شهری و ۴۰ درصد از خانوارهای روستایی زیر خط فقر مطلق قرار گرفته اند^۱. روند ضریب جینی نیز نمایانگر آن است که طی دوره زمانی ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۱ شاخص ضریب جینی شهری و روستایی رو به کاهش بوده است. در همین راستا، طبق گزارش IrMIDHS در سال ۱۳۸۹، ۱۴/۶ درصد کودکان ۵ تا ۱۱ ساله حداقل یک ساعت در هفته کار اقتصادی یا هشت ساعت در هفته برای خانواده خود کار می کرده اند که تایید دیگری بر زندگی شمار قابل ملاحظه ای از کودکان و نوجوانان جامعه ما در شرایط فقر و محرومیت مزمن خانوادگی و محیطی است و گذشته و حال آنان را به آینده ای نابسامان و نامطمئن پیوند می زند.

بیکاری و عدم اشتغال که فقر و نابرابری در آمدی را با خود به همراه دارد، از دیگر عناصر اصلی طرد و شمول اجتماعی است. مباحث جاری پیرامون طرد اجتماعی، بیشتر به دنبال ادغام جوانان و بیکاران در بازار کار می باشد و تاکید بر اشتغال به نوعی به عنوان فاکتور اصلی ادغام مطرح شده است. (شارف: ۲۰۰۰) این در حالی است که طبق گزارش مرکز آمار ایران، نرخ بیکاری سالانه جوانان ۱۵ تا ۲۴ ساله در سال ۹۰ برابر ۲۶/۵ درصد بوده و نرخ بیکاری فصلی در این گروه سنی در فصلی چون زمستان به ۲۹/۷ درصد هم رسیده است.

در کنار وضعیت نامطلوب اشتغال جوانان، رشد قابل توجه تحصیلات در ایران که آمارهای ثبت نام سالانه موید آن است، نکته اصلی و مهمی است. با توجه به اینکه ۹۳/۷۶ درصد جمعیت ۱۵ تا ۲۴ ساله ایرانی باسوادند و نیز حجم عظیم جمعیت دانشجویان در جامعه ایران که در سال تحصیلی ۸۲-۱۳۸۱ برابر ۱۶۷۳۷۵۷ نفر و در سال تحصیلی ۹۲-۱۳۹۱ معادل ۴۴۳۵۸۸۰ نفر بوده اند، می توان نتیجه گیری نمود که مرحله انتقال از آموزش به بازار کار در جامعه فعلی، همانند دیگر کشورهای منطقه، با مشکلی بس جدی روبروست. محققان پروژه طرد اجتماعی خاورمیانه (Salehi-Isfahani;2007;Dhillon &Yousef. 2007; Silver:2007) در این باره

می نویسند: "علیرغم هزینه سرانه بالاتر برای آموزش در کشورهای مذکور - شامل ایران، مصر،

^۱ خط فقر مطلق شهری در سال ۱۳۹۱ معادل ۳۹۵ هزار تومان و روستایی معادل ۲۵۰ هزار تومان بوده است.

سوریه و مراکش - کیفیت آموزشی فارغ التحصیلان، پایین تر است؛ بدین معنی که آموزش ابتدایی در یاد دادن مهارت های اصلی زندگی به دانش آموزان طی سال های اصلی شکل گیری آنان ناکام بوده و آموزش دبیرستانی و بعد آن، اعم از فنی حرفه ای و دانشگاهی نیز در آماده کردن جوانان برای بازار کار - از طریق یاد دادن دانش و مهارت های مورد نیاز - ناموفق است.^۱ از این رو، مشکلات بازار کار، جوانان فعلی را بیش از بزرگسالان (نسل های قبل) آزار می دهد؛ به طوری که در حال حاضر، متوسط نرخ بیکاری جوانان در کشورهای مذکور حدود ۲۵ درصد و برای ایران، تنها در سطح فارغ التحصیلان دبیرستان حدود ۲۰ درصد و احتمال بیکار ماندن جوانان ۳/۵ برابر بیش از بزرگسالان برآورد شده است. از سوی دیگر، بیش از ۵۰ درصد بیکارانی که برای اولین بار دنبال کار می گردند، مربوط به جوانان ۱۵-۲۴ سال این کشورهاست که بالاترین نرخ منطقه ای بیکاری در جهان به شمار می آید. بعلاوه، مشکل اشتغال جوانان محدود به گروه یا سطح خاصی نبوده و امری فراگیر است؛ به طوری که متوسط دوره بیکاری آموزش دیدگان دانشگاهی یا مراکز فنی-حرفه ای نیز نسبتاً بالا (۵/۲ تا ۳ سال) است و مسئله ای بغرنج محسوب می شود. افت ارزش مدارک تحصیلی (از جمله دیپلم)، مهارت های بی تناسب با تقاضاهای بازار کار، ساختار انعطاف ناپذیر و انتظارات ناهمسو میان تحصیلکردگان دانشگاهی و سطوح کار دولتی و خصوصی، عدم گسترش بخش خصوصی و عدم گنجایش بخش دولتی برای جذب انبوه جوانان بیکار، کیفیت پایین مشاغل، انتظار طولانی برای ورود به بازار کار، افزایش دستاوردهای آموزشی و فشار زنان بر بازار کار و تبعیض های مختلف (جنسیتی و غیره)، از دیگر عوامل یا موانع موجود در زمینه انتقال موفق جوانان از آموزش به اشتغال مولد به شمار می رود که بویژه تحصیلکردگان دانشگاهی و زنان جوان این کشورها را با سطوح بالای بیکاری و مشکلات مرتبط با آن مواجه می سازد". (Dhillon&Yousef, Ibid: 11)

مرحله انتقال از اشتغال به تشکیل خانواده نیز همانند حلقه گذار از تحصیل به اشتغال، برای جوانان امروز ایران، با چالش های خاص خود همراه است. علیرغم اهمیت زیاد ازدواج به عنوان نقطه عطف مهم در انتقال به پایگاه بزرگسالی، شواهد حاکی از آن است که هرروز جوانان

^۱ یافته های تحقیق قاضی نژاد (۱۳۸۹) نشان داد تنها یک درصد از پاسخگویان ۱۵ تا ۲۹ ساله ساکن استان تهران از مهارت های شغلی مناسبی برخوردارند، ۳/۶ درصدشان متوسط و ۹۵/۴ درصد پاسخگویان فاقد مهارت های شغلی می باشند.

بیشتری در حال به تأخیر انداختن ازدواج خود و یا به عبارتی، طرد از بازار ازدواج هستند. شاید بهترین شاهدهی که می توان به آن استناد نمود، میانگین سن اولین ازدواج باشد که طبق گزارش مرکز آمار ایران، از ۲۳/۸ سالگی برای مردان در سال ۱۳۶۵ به ۲۶/۷ سالگی در سال ۱۳۹۰ رسیده است- این ارقام برای زنان نیز به ترتیب ۱۹/۹ و ۲۳/۴ گزارش شده است. در تحقیق طرد اجتماعی جوانان در خاورمیانه (۲۰۰۷) نیز به این نکته اشاره شده است: "آمارها بیانگر آن اند که در نسل قبل (والدین) ازدواج در این کشورها عمومیت و زودرسی بیشتری داشته و شامل ۶۳ درصد مردان می شده است که در نیمه تا آخر سال های دهه سوم زندگی خود، ازدواج می کرده اند. در حالی که امروزه حدود ۵۰ درصد مردان ۲۵-۲۹ ساله در این کشورها، مجردند. در ایران این میزان در مورد مردان جوان همین گروه سنی، ۳۸ درصد است که یکی از بالاترین نرخ ها در تاریخ معاصر کشور به شمار می رود. همراه با کاهش عمومیت ازدواج، متوسط سن ازدواج مردان نیز در این کشورها نسبت به یک نسل قبل در حد قابل ملاحظه ای بالا رفته است.

وضعیت فوق، تصویری از شرایط و وضعیت انبوه جوانان بواقع محروم یا بیرون از نظام رسمی تامین و رفاه و حقوق شهروندی در جوامع معاصر است که به تعبیر دین ۱ در شرایط ضعف حمایت/تأمین اجتماعی ۲ لازم و کافی، تبدیل به یک به اصطلاح "مادون طبقه ۳" و حتی "طبقه ای خطرناک ۴" با پتانسیل بالا برای خشونت، انحراف و تخریب ۵ به جای سازندگی اجتماعی، خواهند شد. (Dean,1997:55-8; See Macdonald,1997)

از این رو، بویژه در شرایط کشورهای در حال توسعه منطقه (خاورمیانه) از جمله ایران- که جوانان اغلب در مرکز تحولات سیاسی- اجتماعی ملی و محلی قرار دارند و در عین حال، پایگاه و حقوق شهروندی آنان کمابیش دچار ابهام، غفلت ۶ یا کاستی های اساسی است- ترکیب "گسستگی" و "خطرناک بودن"، شرایطی بس خطیر و آسیب زا برای جوانان و جامعه فراهم می آورد. در چنین وضعیتی، ساختارها و نیروهای اجتماعی محرومیت زا و منزوی سازی که با یکدیگر تعامل داشته، به صورت مزمن و انباشتی زندگی و آینده کودکان، نوجوانان و جوانان را در خطر تباهی و محرومیت قرار می دهد، باید مورد توجه و بررسی

1 Dean

2 SocialSecurity

3 Underclass

4 DangerousClass

5 CounterProductive

6 Underminded

علمی جدی قرار گیرند. این توجه و شناخت، امروزه به نحوی دقیقتر، در پرتو رویکرد نوین طرد و شمول اجتماعی میسر است که خود از دل مباحث متأخر شهروندی، سیاست اجتماعی و رفاه در جهان پیشرفته سر برآورده و به سرعت در خارج از حوزه اصلی آن - اروپا - مورد استقبال محققان و سیاستگذاران اجتماعی در همه کشورهای جهان قرار گرفته و چارچوب مبنای پژوهش حاضر نیز بوده است.

سوالات پژوهش

۱. میزان طرد/شمول اجتماعی جوانان، به طور واقعی و ذهنی، در جامعه فعلی ما چقدر است؟
۲. ابعاد مختلف طرد/شمول اجتماعی جوانان کدام اند؟
۳. چه ارتباطی بین طردعینی و ذهنی جوانان، در ابعاد مختلف وجود دارد؟

پیشینه تجربی

طرد و شمول اجتماعی جوانان، موضوع مطالعات بسیاری در دنیا و نیز منطقه و ایران، در دهه های اخیر بوده است. در ادامه به شماری از مهمترین آنها، برحسب اهداف و نتایج اشاره خواهیم داشت:

• هانوی^۱ (۲۰۰۳): " بررسی ادغام اجتماعی در کانادا: کودکان و جوانان "

هانوی، محقق حوزه طرد و شمول اجتماعی، بر این باور است که طرد جوانان باید در متن زندگی و در زمینه اجتماعی و خانوادگی پرورش دهنده آنان در طول زمان مورد بررسی قرار گیرد. از نظر وی، برای رسیدن به نتایج بهتر در شناخت شمول و طرد اجتماعی در جوانان، آنچه مهم است پرسش از جنبه های مختلف این مسئله از خود جوانان و گوش فرا دادن به سخنان آنان است تا دانسته شود که تجارب واقعی ایشان چه بوده و آنان خود در مورد مفهوم طرد/شمول اجتماعی و شاخص های آن چگونه می اندیشند؟

وی در مطالعه خود، از بین عوامل متعدد طرد و شمول اجتماعی سه عامل خانواده، ساختار آموزش و مراقبت در اوان کودکی و تفریحات (اوقات فراغت) را مورد واکاوی بیشتری قرار داده و در نهایت می نویسد: "با این تفاسیر به نظر می رسد انتقال مثبت از دوره کودکی به جوانی و بزرگسالی وقتی رخ می دهد که افراد در زمینه و بستری زندگی کنند که از نظر جسمی، سلامت و ایمن؛ از نظر شخصیتی، ارزشمند؛ از نظر اجتماعی، دارای ارتباطات اجتماعی؛ از نظر اقتصادی و اخلاقی، تحت حمایت؛ از نظر شخصی و سیاسی، قدرتمند، توانمند و امیدوار به آینده باشند. لذا هرچه برنامه ریزی ها و سیاستگذاری ها در خدمت این نیازها باشند، می توان انتظار بیشتری برای مشارکت مثبت جوانان داشت. (Hanvey, 2003: 6-7)

¹Hanvey

- جان اسمیت (۱۹۹۱): "ریسک، طرد، نظم اخلاقی و سرمایه اجتماعی: نظریه پردازی در مورد بی خانمانی جوانان"

از میان کارهای انجام شده در موضوع طرد اجتماعی جوانان، به نظر می رسد جان اسمیت^۱ دیدگاه همه جانبه تری را اتخاذ نموده است. وی بر اساس مطالعاتی که بر روی جوانان بی خانمان در بریتانیا انجام داده است، به چرخه ای از عوامل خطرزای مرتبط با طرد اجتماعی به شرح زیر اشاره می کند:

الف- عوامل خطرزای زمینه ای: شامل فقر، ساختار خانوادگی، تحصیلات، شغل، سلامت که سابقه و پیش زمینه بی خانمانی (طرد) را قوت می بخشد. علاوه بر اینها می توان اعتیاد به مواد مخدر و الکل، طرد از مدرسه، زندگی با تک والد و جابجایی (تغییر مکان) پی در پی و زندگی در محلات فقیرانه را نام برد.

ب- عوامل خطرزای اجتماعی: که در زمینه و بافت اجتماعی رخ می دهد و باتوجه به ساختار جوامع والگوهای خانوادگی مختلف موجود، الگوهای طرد نیز در جوامع متفاوت هستند.

ج - سرمایه اجتماعی: سرمایه اجتماعی را می توان از طریق ارتباط آن با دو عامل خطرزا در سطح فردی (فاکتورهای زمینه ای) و سطح اجتماعی درک نمود.

بر این اساس، اسمیت عوامل زمینه ای و عوامل اجتماعی را دو ضلع مثلثی به نام مثلث زندگی جوانان^۲ می داند که زندگی آنان را تحت تاثیر قرار می دهد و ضلع سوم این مثلث نیز تحت تاثیر سرمایه اجتماعی فرد قرار دارد. تأثیرات متقابل این سه ضلع بر زندگی جوانان باعث پذیرش و یا عدم پذیرش حمایت ها و یا در مقابل، پذیرش یا دفع عوامل خطرزاست و در صورت تاثیر عوامل خطرزا، فرآیند طرد می تواند واقع گردد. (Smith, 1991: 2-3)

اسمیت معتقد است که باید برای جوانان بی خانمان، دو جنبه دیگر هم به این شش جنبه افزود: طرد از جان پناه که به ویژه در خصوص جوانان تنها باید بسیار مورد توجه قرار گیرد و طرد از شبکه های اجتماعی و طرد از خانواده که نکته بسیار مهمی در خصوص جوانان بی خانمان است. (Smith, 1991: 7-8)

- صالحی اصفهانی (۲۰۰۷). " طرد جوانان در ایران: وضعیت آموزش، اشتغال و تشکیل خانواده "

صالحی اصفهانی (۲۰۰۷) در تحقیقی با عنوان " طرد جوانان در ایران: وضعیت آموزش، اشتغال و تشکیل خانواده " که بخشی از طرحی منطقه ای (خاورمیانه و شمال آفریقا) در همین زمینه بوده است، به

¹JoanSmith

²Triangle of life of young people

بررسی عوامل ایجاد کننده طرد اجتماعی در بین جوانان ایرانی، با توجه به ساختار جمعیتی ایران و از دیدگاه اقتصادی پرداخته است

به اعتقاد d، طرد اجتماعی جوانان در ایران ابعاد گوناگونی دارد که مهمترین آنها در شرایط فعلی عبارت اند از: ۱- کسب مهارت برای اشتغال مولد یا فعال، ۲- یافتن شغل، ۳- تشکیل خانواده.

بعد از طرح سه موضوع تحصیلات، شغل و ازدواج و چالش های جوانان و جامعه معاصر ایران در این زمینه، وی، راهکارهایی را که می تواند به فهم بهتر مکانیزم های موثر در عرصه های تحصیلات، اشتغال و ازدواج و کمک به بهبود نهادهای موجود و ایجاد انگیزه های صحیح بینجامد، مطرح می کند. به عقیده وی این راهکارها عبارت اند از: ضرورت اصلاح در امر آموزش؛ ضرورت ایجاد ارتباط میان بخش آموزش و بازار کار و ضرورت اصلاحات در نظام بیمه اجتماعی. به اعتقاد وی، در واقع مشکل اصلی و ریشه ای مسئله جوانان در ایران، تعداد زیاد جوانان نیست، بلکه عدم کارایی و انعطاف ناپذیری نظام تحصیلی، مراکز کار و بنگاه های ازدواج می باشند. بعلاوه، باورهای اجتماعی که جزئی از جامعه ایران شده است نیز، به طور مشابهی، هزینه ازدواج را بالا برده است. در مجموع، برای رفع طرد و افزایش شمول اجتماعی جوانان در ایران، رفتارهای مختلف زندگی اجتماعی و اقتصادی باید در ارتباط با هم سنجیده شده و آنگاه با در نظر گرفتن این ارتباطات، تغییرات ساختاری در جهت اصلاح رفتارها صورت پذیرد. (Ibid:8)

• قاضی نژاد و همکاران (۱۳۸۹): " طرد اجتماعی جوانان: علل و پیامدها "

قاضی نژاد و همکاران (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان " طرد اجتماعی جوانان: علل و پیامدها "، در پی به دست آوردن تصویر و تبیینی از وضعیت طرد اجتماعی جمعیت جوان جامعه ایران در سطح استان تهران بوده اند. آنان طرد اجتماعی را در سه بعد محرومیت مادی، طرد از حقوق اجتماعی اساسی و محرومیت از ادغام فرهنگی - اجتماعی عملیاتی نموده و در دو سطح عینی و ذهنی مورد مطالعه قرار داده اند. بر مبنای ادبیات مفهومی موجود در زمینه علل تعیین کننده، فرایندها و نتایج جریان های طرد اجتماعی، در این پژوهش تلاش شده وضعیت نوجوانان و جوانان تهران، اسلامشهر و پاکدشت در متن زندگی واقعی و شرایط زیست آنان در خانواده، محیط های آموزشی، اجتماع محلی و جامعه بزرگتر طی مراحل مختلف زندگی، مورد سنجش و ارزیابی قرار گرفته و برحسب شاخص های جزئی و کلی، تصویری از محرومیت های زنجیره ای و مزمنی که آنان از گذشته تا حال به طور عینی و ذهنی تجربه کرده اند، به دست داده شود.

نتایج این تحقیق نشان داد قریب نیمی (۴۶/۴ درصد) از جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله از مجموعی از محرومیت های چندگانه، مزمن و انباشت شده در رنج بوده و بنابراین، طرد همه جانبه ای را تجربه کرده و

مطروودابه حساب می آیند و نیمی (۴۹/۵ درصد) دیگر، در قطب مقابل آنان قرار گرفته و به طور نسبی، در زمینه های مختلف برخوردارتر بوده و باصطلاح " ادغام شده ۲" یا در شمول اجتماعی محسوب می شوند. ۴/۱ درصد جوانان مورد مطالعه نیز روی خط طرد (میانگین) یا به تعبیری در "لبه پرتگاه" قرار داشته و آماده سقوط به وادی طرد اجتماعی و پیوستن به مطروودان بوده اند. نتایج تحقیق مذکور در مورد طرد ذهنی جوانان (فاصله تصورات و انتظارات آنان از واقعیت زندگی در حوزه نیازهای اساسی مد نظر خودشان) نشان داد که بیش از نیمی (۵۲/۲ درصد) از نوجوانان و جوانان مورد مطالعه، دچار طرد ذهنی (احساس مطروودیت اجتماعی) بوده اند. با لحاظ افراد (۳/۸ درصد) روی خط میانگین شاخص - یا افراد در معرض خطر- درصد مطروودان ذهنی به ۵۶ درصد کل پاسخگویان جوان رسیده که رقمی بالا و قابل تامل است. یافته جالب دیگر این تحقیق، مربوط به نتایج آزمون رابطه بین ابعاد و مولفه های اصلی طرد عینی و شاخص کلی طرد ذهنی بود که نشان داد از میان ۳ بعد عینی طرد اجتماعی یعنی محرومیت مادی، محرومیت از حقوق اجتماعی اساسی و طرد از ادغام فرهنگی، تنها مطروودان از ادغام فرهنگی - اجتماعی (دور از بازار کار و اشتغال و فاقد مشارکت های اجتماعی رسمی و غیررسمی و امکانات فرهنگی- فراغتی لازم)، به طور معنی داری دچار احساس طرد ذهنی هستند و میان خود، جامعه و شرایطی که در آن زندگی می کنند، به شدت (با ضریب همبستگی ۰.۲۱ درصد) فاصله / شکاف می دیده اند. برحسب نتایج این پژوهش میدانی، آنچه بین جوانان و جامعه فعلی ما فاصله می اندازد، نه محرومیت های مادی و حتی محرومیت از حقوق اجتماعی اساسی (حق آموزش، بهداشت، ازدواج، مسکن و...)، بلکه بیش از همه، فقدان کانال های مشارکت و ارتباط اجتماعی و ضعف جذب و ادغام فرهنگی آنان بوده است. نوجوانان و جوانان مورد مطالعه، مایل و مشتاق بوده اند در هر شرایط مادی (فقر یا رفاه) عینی، به عنوان شهروندی صاحب حقوق در جامعه خود " دیده " و " شنیده " شوند، به حساب بیایند و جایگاه تعریف شده ای در " متن " نظام اجتماعی - فرهنگی موجود داشته باشند.

تعریف مفاهیم

جوان و جوانی

در تعریفی کلی، جوانان گروهی متشکل از افرادی هستند که در میانه سنین کودکی و بزرگسالی قرار گرفته اند. اما اگر اختلاف تعاریف را در میان جوامع مختلف در نظر بگیریم، با دسته بندی های

1 Excluded

2 Included

گونگونی در این باره رو به رو خواهیم بود. آرنِت ۱ (۲۰۰۴) معتقد است که رسیدن به جوانی، مقطعی مجزا از زندگی است که از اواخر دهه دوم تا اواخر دهه سوم آن ادامه می‌یابد. جوانی، دوره‌ای است ما بین بلوغ و بزرگسالی که در آن بخشی از مسئولیت‌های بزرگسالی مانند پایان یافتن استقلال، بی‌خیالی و سایر امکانات نامحدود دوره جوانی، ترسناک به نظر می‌رسد. (Silver;2007: 12)

در همین راستا، پژوهش‌های انجام شده در اروپا نشان داده است که جوانان در اواخر قرن بیستم نسبت به اوایل این قرن، حدود شش سال بیشتر، جهت تحصیل وقت صرف می‌کنند. به این دلیل و نیز به دلیل افزایش دوره‌های بیکاری در میان جوانان، ورود به اولین شغل دیرتر اتفاق می‌افتد. از دیگر شاخص‌های افزایش زمان دوره انتقال به بزرگسالی، بیشتر ماندن در خانه پدری (حتی تا ۳۰ سالگی) برای مردان و بارداری در سنین بالا (اولین بارداری بعد از ۲۹ سالگی) برای زنان می‌باشد. به همین علت، مطالعاتی که بتازگی به مفهوم‌سازی در خصوص جوانی می‌پردازند، در تحلیل‌هایشان افرادی را مد نظر قرار می‌دهند که در سنین بالاتری از تعاریف مرسوم از «جوان» قرار گرفته‌اند. (Aassve Et Al,2006: 26)

در پژوهش آسو^۲ و همکاران (۲۰۰۶)، محدوده سنی گسترده‌ای برای جوانی (۱۵ تا ۲۹ سالگی) در نظر گرفته شده است. در مطالعه فوق، به جوانان در سه گروه سنی توجه شده است: از ۱۵ تا ۱۹ سال، از ۲۰ تا ۲۴ سال و از ۲۵ تا ۲۹ سال که هر یک از این دسته‌ها، ویژگی‌های خاص خود را می‌تواند داشته باشد. در تحقیق حاضر نیز همین رویکرد / تعریف اتخاذ شده است.

طرد اجتماعی

طرد اجتماعی یک واژه مورد نزاع است و "ارائه یک تعریف ساده برای آن مشکل است". (اتحادیه اروپا، ۱۹۹۲ به نقل از سیلور، ۱۹۹۴) این واژه نه تنها برای اشاره به گستره وسیعی از پدیده‌ها و فرایندهای مربوط به فقر، محرومیت و سختی استفاده می‌شود، بلکه در ارتباط با گستره وسیعی از مقولات مربوط به افراد و مکان‌های مطرود نیز مورد بهره‌گیری قرار می‌گیرد. طرد اجتماعی با گسترش مفاهیم فقر و نابرابری به ابزاری جدید برای تحلیل شکاف‌های اجتماعی و موقعیت افراد به حاشیه رانده شده، تبدیل شده است و با "ناتوانی در دستیابی به چیزهایی در زندگی که بیشتر اعضای جامعه از آن بهره‌مندند" تعریف می‌شود.

¹ Arnett

² Aassve & Iacovou & Mencarini

واحد طرد اجتماعی اروپا^۱ (۲۰۰۱) طرد اجتماعی را این گونه تعریف کرده است: "طرد، واژه ای جامع برای توصیف حالت هایی است که در آن افراد یا حوزه های گوناگون از ترکیبی از مشکلات به هم پیوسته مثل عدم اشتغال، عدم مهارت، درآمد پایین، خانواده فقیر، خانواده از هم پاشیده، بیماری و زندگی در محیطی با جرائم بالا رنج می برند". از نظر کارشناسان اتحادیه اروپا، طرد اجتماعی فرایندی است که طی آن، افراد معینی به حاشیه جامعه^۲ رانده شده و به علت فقر یا فقدان صلاحیت های اساسی و پایه و یا فقدان فرصت های آموزشی درازمدت (مادام العمر) و یا در نتیجه تبعیض، از مشارکت کامل در جامعه خود بازداشته می شوند. این فرایند آنها را از فرصت های شغلی، درآمدی و فرصت های آموزشی و نیز مشارکت در شبکه ها و فعالیت های محلی و اجتماعی دور می کند. چنین افرادی دسترسی محدودی به قدرت و بدنه گروه های تصمیم گیری دارند و از این رو، اغلب احساس بی قدرتی و عدم توانایی کنترل روی تصمیماتی می نمایند که زندگی روزمره شان را متاثر می کند. (PRISMA:5-6)

ادبیات نظری

به کارگیری مفهوم طرد اجتماعی برای بحث و مطالعه در زمینه منافع، فرصت ها و محدودیت های افراد جوان، باید برحسب تنوع تعاریف جوان و دوره جوانی و نیز تفاوت وضعیت جوانان در جوامع مختلف صورت پذیرد. آنچه وضعیت جوانان جوامع مختلف را از یکدیگر متفاوت می سازد، در درجه اول تفاوت های جوامع از نظر نظام منافع و امتیازات اجتماعی (نظیر کار، تحصیل، اعانات و...) است که در اختیار جوانان گذاشته یا از آنان سلب می شود. تفاوت در فرهنگ و ارزش های اصلی هر جامعه (مثل اهمیت جمع گرایی و خانواده محوری و یا تشویق فردگرایی و رقابت برای دستیابی به کار و سایر امتیازات و منافع) در مرتبه دوم قرار دارد.

با این حال، وضعیت جوانان در کشورهای مختلف چندان متفاوت نبوده و بخش های مهم زندگی آنان، از مشابهت زیادی برخوردار است: کار، اشتغال و وضعیت بازار کار از اجزای مهم زندگی افراد جوان و از جمله نقش های کلیدی بزرگسالی و ورود به دنیای بالغان در کشورهای مختلف بوده و بیکاری جوانان، حوزه ای عام در زندگی آنان است.

¹ Social Exclusion Unit

² Edge Of Society

از سوی دیگر، جوانان نوعاً دوره‌هایی از حرفه‌آموزی، بی‌کاری و سرگردانی و نیز دوره‌های کوتاه شغلی در مشاغل بی‌ثبات و با دستمزد پایین را در اوایل زندگی بزرگسالی خود تجربه می‌کنند. مسئله جدی تمامی آنها در انتقال از آموزش به دنیای کار، جستجوی کار مناسب و رقابت سخت برای یافتن آن است که بعضاً در آن موفق و بسیاری نیز ناموفق می‌باشند و به دنبال این عدم موفقیت، اعتماد به نفس خود را نیز از دست داده و بگونه‌ای منفی خود را تعریف می‌کنند. (Audio & Palovaara.)

بعلاوه، در شرایطی که نوجوانان و جوانان راه‌های رسیدن به اهداف اصلی زندگی (کار، تحصیل، ازدواج و...) را بر خود بسته می‌بینند، در واقع، در خطر ترک و کناره‌گیری^۱ از جامعه خواهند بود و انگیزش لازم برای کسب پایگاه بزرگسال مستقل را نخواهند داشت.

این خطر به ویژه برای آن دسته از جوانانی که دارای مشکلات و محرومیت‌های قبلی در اداره زندگی و جامعه پذیری خود بوده‌اند، مضاعف خواهد بود، زیرا مشکلات مذکور، گزینه‌ها و قدرت انتخاب آنها را برای کسب پایگاه و ارتقا از طرق مورد قبول جامعه، محدودتر می‌سازد. چنین گروه‌های پرخطری^۲ از جوانان، به علت شکست‌های مکرر در دستیابی به موفقیت‌های تحصیلی و شغلی و...، فاقد منابع حمایت درونی (اعتماد به نفس قوی و کنترل و مدیریت زندگی) و نیز به دلیل شرایط خانوادگی و اجتماعی که در آن به سر می‌برند، فاقد منابع حمایت بیرونی هستند. آنان مشکلات بیشتر و عدیده‌ای را برای استفاده از فرصت‌ها و منابع و کسب هویت‌های اجتماعی پیچیده‌تر (تحصیلی، حرفه‌ای و...) که لازمه شمول اجتماعی و ورود به جریان اصلی زندگی در جامعه است، تجربه می‌کنند.

در همین راستا، حجم انبوهی از پژوهش‌ها در کشورهای مختلف به منظور تعریف شاخص‌های طرد و علت‌یابی و شناخت پیامدهای طرد/شمول اجتماعی جوانان به طور عام و جوانان پرخطر به طور خاص، در سطوح مختلف (فردی، خانوادگی، محلی، محیط تحصیلی و...) انجام گرفته است. نتایج مهم‌ترین پژوهش‌ها و گزارشات در این زمینه را می‌توان در ۶ محور خلاصه کرد:

۱. ضرورت بررسی طرد و شمول شهروندان برحسب گروه‌های سنی

مهمترین مسئله مورد توجه صاحب‌نظران این است که در شرایط معاصر، بحث و بررسی طرد/شمول اجتماعی شهروندان، ضرورتاً باید بر حسب گروه‌های سنی ویژه صورت گیرد. از این میان،

¹ Dropping Out
² High Risk

افراد زیر ۱۵ سال و جوانان بین ۱۵ تا ۲۵ یا ۳۰ سال (گروه های اغلب وابسته به خانواده)، گروه های در خطر فقر، محرومیت و طرد برحسب فاکتورهای مختلف تعریف می شوند. (Flood-Page Etal,2000,)
(Social Exclusion in BIH, 2007:35 . In Paskell,2007:7)

۲. توصیف پدیده طرد کودکان و جوانان و ابعاد آن

محققان در قدم اول سعی در توصیف خود پدیده طرد- به عنوان نقطه مقابل شمول اجتماعی- و ابعاد آن در میان این بخش از جمعیت نموده اند. فیبز و کورتیس (۲۰۰۱) با استفاده از داده های پیمایش های طولی ملی در خصوص کودکان و جوانان (NLSCY)، شاخص های پنج گانه طرد را چنین برشمرده اند:

۱. فقدان موفقیت آموزشی در مدرسه؛

۲. عدم سلامت عمومی؛

۳. ناتوانی در مشارکت در فعالیت های عادی (روزمره)؛

۴. ضعف روابط با همتایان / همسالان؛

۵. فقدان مشارکت در فعالیت های فراغتی سازمان یافته (Hanvey,2003:20&14).

طرد دوران گذار به بزرگسالی با ابعاد سه گانه طرد از تحصیل و مهارت آموزی، طرد از بازار کار و طرد از بازار ازدواج نیز ابعادی از طرد را که ویژه جوانان هستند، دربرمی گیرند.

۳. تحلیل عوامل، شرایط و چگونگی پیدایش طرد

از آنجا که کودکان، نوجوانان و جوانان جزئی از جمعیت خانواده محسوب می شوند، شرایط مادی و محرومیت های خانواده بی شک آنها را نیز متأثر می سازد. به علاوه، باقیماندن در چرخه "فقر موروثی" و تبدیل بچه های رشدیافته در محیط فقر خانواده به بزرگسالان فقیر آینده، مسئله مهم دیگری است که در پژوهش های فقر و طرد اجتماعی، آشکار شده است. (UNDP^۱,2007:36)

عوامل خانوادگی مرتبط با طرد اجتماعی کودکان و نوجوانان تنها به سطح درآمد خانوار خلاصه نمی شود. از نظر فیبز و کورتیس (۲۰۰۱)، به جز پایگاه درآمدی پایین، عواملی چون: فقدان مسکن شخصی، تحصیلات پایین مادر و وابستگی خانواده به اعانات و کمک های اجتماعی به عنوان منبع اصلی درآمد خانوار از جمله شرایط و عوامل مطرودساز فرزندان هستند. (Hanvey,2003: 5)

^۱NationalHumanDevelopmentReport

محققان بنیاد لیدلا در کانادا نیز خاطر نشان می‌سازند که طرد اجتماعی - شامل طرد کودکان و جوانان - معمولاً از طریق مجموعه شرایط یا مقتضیات چند لایه و تأثیر متقابل آنها بر یکدیگر، تحقق می‌یابد. این شرایط بیشتر شامل:

۱. فقر؛
۲. بی‌کاری؛
۳. تک‌والدی بودن (مادران تنها در سرپرستی فرزند)؛
۴. نگرش‌ها یا ارزش‌هایی همچون ترس از تفاوت‌ها؛
۵. نژادپرستی؛
۶. فرآیندهای جداسازی^۱، سرکوب کردن^۲ و به آسایشگاه سپردن^۳ می‌باشد.

۴. استمرار طرد و انتقال بین‌نسلی آن

جکسون و اسکات (۲۰۰۲) با تأکید بر مسئله استمرار طرد و انتقال بین‌نسلی آن در خانواده می‌افزایند: شغل و وضعیت اشتغال والدین، عامل بسیار مهم خانوادگی در تعیین طرد/شمول اجتماعی فرزندان است. سه حلقه اتصال کلیدی میان کار/شغل والدین و رشد و رفاه کودک عبارت‌اند از:

۱. ثبات و کفایت درآمدی والدین/خانواده برای رفع نیازهای فوری و آتی فرزندان؛
 ۲. وقت کافی برای ایفای نقش و مشارکت فعال والدین؛
 ۳. فقدان استرس حاصل از بی‌ثباتی یا چالش‌های تطبیق درآمد شغلی با نیازهای خانواده.
- به اعتقاد محققان یادشده، تأثیر عوامل مذکور بر وضعیت طرد/شمول اجتماعی فرزندان در شرایط درآمد پایین، بی‌ثباتی شغلی یا استرس بالا، به صورت غیرمستقیم و از طریق وساطت تفاوت در تکاپو و نوع اقدامات خانواده‌ها و تأثیر بالقوه این اقدامات بر فرزندان و نیز وضعیت و شرایط سیاست‌های اجتماعی مربوط به کار و خانواده انجام می‌گیرد. (Hanvey, Ibid:5)

مداخله سیاست‌ها و برنامه‌های حمایت از خانواده، در انتقال خانوادگی و نسلی محرومیت و استمرار طرد والدین در طول زندگی فرزندان، مسئله‌ای است که فرندلی و لرو (۲۰۰۲)، دو تن از محققان کانادایی به بررسی آن پرداخته و دریافته‌اند که در شرایط بهنجار و سالم، برنامه‌های کلان آموزشی و مراقبت

¹Segregation

²Silency

³Institutionalization

بچه در کودکی اولیه (ECEC)، سهم مهمی در شمول اجتماعی فرزندان در فرآیندهای رشد آتی آنها دارد. این حمایت مستمر، از طریق سه عامل توجه به رفاه و بهزیستی خانواده، توجه به پیوندهای اجتماعی خانواده‌ها و توجه به عدالت اجتماعی مرتبط با خانواده‌ها، به بهبود کیفیت زندگی ۱ کودک در زمان حال و نیازهای رشد و تکامل وی در آینده (نوجوانی، جوانی و...)، خواهد انجامید.

به اعتقاد این دو در واقع چنین برنامه‌هایی (ECEC)، از طریق کمک عام به خانواده‌ها و والدین و حمایت از آنها در کاهش خطر طرد اجتماعی و اطمینان حاصل کردن از توسعه قابلیت‌ها و توانمندسازی همه خانواده‌ها در دسترسی به منابع اجتماعی و ارتقای عدالت، در نهایت به رشد کافی و مشارکت کامل بچه‌ها و جوانان در آینده یا شمول اجتماعی آنان، خدمت می‌کند. (Ibid:6).

۵. طرد کودکان و جوانان آسیب‌پذیر یا در معرض خطر مطرود شدن شدید

در پژوهش‌های مرتبط با طرد اجتماعی، معمولاً دو گروه از کودکان و جوانان به عنوان گروه آسیب‌پذیر^۲ یا در معرض خطر مطرودیت شدید معرفی شده‌اند: کودکان و جوانان مهاجر و پناهنده و کودکان و جوانانی که دچار معلولیت^۳ هستند.

تحقیق امیدوار و ریچموند (۲۰۰۳) در کانادا نشان می‌دهد، بسیاری از جوانان نسل دوم مهاجران، دچار احساس طرد و بیگانگی فرهنگی هستند. آنان احساس می‌کنند بین ارزش‌ها یا فرهنگ‌هایی آشکارا دوگانه و غیر قابل آشتی، چندپاره یا سردرگم شده‌اند. احساس انزوا یا بیگانگی فرهنگی - اجتماعی با تجاربی چون ذهنیت جوانان در مورد تفاوت‌های فرهنگی میان مبدأ و مقصد، تجربه نژادپرستی، تبعیض، بی‌عاطفگی و سردی جامعه میزبان نسبت به مهاجرین، تصور قالبی منفی مهاجرین در رسانه‌ها و همچنین زندگی واقعی مهاجرین در شرایط فقر و محرومیت در جامعه میزبان مرتبط است. ترکیب جنبه‌های عینی و ذهنی فوق، خطر واقعی شکل‌گیری یک فرهنگ "بیگانگی" را در میان جوانان مهاجر پدید می‌آورد که در آن، جوانان نه با کشور زادگاه، نه با والدین خود و نه با جامعه میزبان احساس ارتباط و پیوند نمی‌کنند.

(Hanvey, Ibid:6)

¹QualityOfLife

²Vulnerable

³Disability

به نظر می‌رسد طرد فرهنگی در جمعیت مهاجران و با مقتضیات اشاره شده (تبعیض، تصویر قالبی منفی و...) را بتوان در جوامع پرتنش قومی و مذهبی، به اقلیت قومی و مذهبی و حتی در جوامعی با تفاوت‌های نسلی گسترده، به نسل جوان‌تر نیز تعمیم داد.

از سوی دیگر، انجمن توسعه اجتماعی کانادا بر مبنای داده‌های پیمایش‌های طولی ملی مرتبط با کودکان و جوانان (NLSCY) دریافتند که کودکان و جوانان دچار معلولیت و دارای نیازهای خاص، در خطر "طرد از مجموعه‌ای از فرصت‌ها" هستند که برای اکثریت بچه‌های کانادایی مفروض و تضمین شده است؛ یعنی:

۱. فقدان عضویت کامل و فعال در اجتماعات محلی؛

۲. عدم ادغام اجتماعی، علمی و آموزشی در مدارس در سطح مشابه هم سن و سالان غیر معلول آنها؛

۳. فقدان منابع مالی و انسانی برای خدمت به کودکان و جوانان معلول (دارای نیازهای خاص) در آژانس‌های محلی. (Ibid:7)

۶. آثار و پیامدهای طرد

به اعتقاد محققان، در چشم‌اندازی کلی و عام، پیامدهای مطرودسازی گروه‌های اجتماعی در یک جامعه عبارت خواهد بود از:

۱. عدم پذیرش اجتماعی؛

۲. ایجاد ناتوانی و عجز (بی‌قدرت ساختن)؛

۳. آسیب‌پذیر ساختن؛

۴. کاهش مهارت زندگی؛

۵. تحدید دورنما و چشم‌اندازهای زندگی افراد (Hanvey, Ibid: 4).

در گزارش توسعه انسانی سازمان ملل از وضعیت طرد جوانان بوسنی و هرزگوین (۲۰۰۷)، پیامدهای طرد اجتماعی در بین دو گروه از جوانان در حال تحصیل تمام‌وقت و جوانانی که ترک تحصیل کرده‌اند، مشخص شده است. دل‌سردی و ناامیدی نسبت به آینده، افسردگی و ارزیابی منفی نسبت به نظام آموزشی در بین جوانانی که ترک تحصیل کرده‌اند، به مراتب بیش از جوانان در حال تحصیل بوده است.

۷. سطوح عینی و ذهنی طرد

از دیگر طبقه بندی های مهم و اساسی طرد، تفکیکی است که برحسب معیارها و موقعیت عینی و واقعی افراد، درمقابل ارزیابی های ذهنی آنان انجام شده است. در حقیقت، سطح عینی طرد به جنبه های واقعی حیات فردی و اجتماعی اشاره دارد. در این سطح، شرایط زندگی افراد براساس واقعیت کنونی آنان بررسی می شود. (جوهرل، ۲۰۰۷، به نقل از قاضی نژاد، ۱۳۸۹). در حالی که طرد ذهنی، جنبه ای از طرد است که به احساس و تلقی فرد از موقعیت خود، از جنبه مطرود یا مشمول بودن اشاره دارد و ارزیابی ذهنی فرد از شرایط زندگی خود است. از آنجا که تلقی و ارزیابی هر فرد از موقعیت و شرایط زندگی خود ممکن است تأثیر ویژه ای بر رفتارها و فعالیت و نیز مشارکت شخص در زندگی و تلاش او برای بهزیستی اجتماعی داشته باشد، طرد در سطح ذهنی نیز در کنار طرد عینی، تأمل برانگیز و مهم است. (اکنرلوئیس، ۱۹۹۹)

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر، پیمایشی توصیفی- تبیینی از نوع مقطعی بوده است که در سطح ملی و در سال ۹۳-۱۳۹۱ به انجام رسیده است. جامعه آماری تحقیق، شامل جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله ساکن خانوارهای سراسر ایران بوده است که نمونه ای به حجم ۴۵۲۲ نفر از آنان از ۱۲ استان کشور (معرف کل استان ها) به روش نمونه گیری احتمالی چند مرحله ای خوشه ای انتخاب و با پرسش نامه ساخت یافته (استاندارد بومی سازی شده) مورد پرسش قرار گرفته اند.

نحوه عملیاتی سازی متغیر طرد عینی و طرد ذهنی در جدول ۱ آمده است:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۱: تعریف عملیاتی طرد اجتماعی

مفهوم	ابعاد	مؤلفه ها	شیوه سنجش		
طرد اجتماعی عینی	طرد از منابع مادی	محرومیت از منابع مادی	بدهی معوقه		
			عدم کفاف درآمد برای هزینه ها		
			منابع درآمد		
		سرانه درآمد	مجموع درآمد تقسیم بر تعداد افرادی که با این درآمد، اداره می‌شوند.		
	طرد از حقوق اجتماعی اساسی	طرد از آموزش	طرد از آموزش	علت عدم اشتغال به تحصیل	
				مشکل مهم برای ادامه تحصیل	
				نوع مشکل تحصیلی	
				منبع کمک مورد استفاده برای رفع هزینه تحصیل	
				مشکلات غیرمالی تحصیلی	
				مهمترین مشکل برای ادامه تحصیل تا مقطع مورد نظر	
				مشارکت در فعالیتهای محل تحصیل	
				مشکلات درمان	
		طرد از مراقبت‌های بهداشتی-درمانی	طرد از مسکن مناسب	طرد از مسکن مناسب	سرانه واحد مسکونی
					قیمت تقریبی واحد مسکونی
					کیفیت و استحکام بنا/ ساختمان
					نوع مالکیت واحد مسکونی
					امکانات واحد مسکونی
					مشکلات محل سکونت/ محله
					امکانات و فرصت‌های در دسترس در محل سکونت/ محله
					وضعیت نامطلوب محل سکونت (طرد فضایی)
طرد از ازدواج	طرد از ازدواج	طرد از ازدواج	طرد از ازدواج در بین افراد بدون همسر (مجرد، مطلقه، بیوه)		
			طرد از ازدواج در بین افراد دارای همسر (متاهل، عقدکرده، زندگی جداگانه بدون طلاق) متاهلین		
			طرد از بازار کار	عدم مشارکت اجتماعی رسمی	میزان ارتباط با مراکز رسمی
					شرکت در فعالیت‌های جمعی
طرد از ادغام اجتماعی-فرهنگی	عدم مشارکت اجتماعی غیر رسمی	عدم مشارکت اجتماعی غیر رسمی	میزان ارتباط با دیگران		
			میزان حمایت غیررسمی		
	عدم کیفیت اوقات و امکانات فراغتی	عدم کیفیت اوقات و امکانات فراغتی	عدم کیفیت اوقات و امکانات فراغتی	میزان فعالیت فراغتی	
				میزان رضایت از نحوه گذران اوقات فراغت	
عدم ادغام فرهنگی	عدم ادغام فرهنگی	عدم ادغام فرهنگی در سطح خانواده، مردم محل سکونت			

در سطح ادغام فرهنگی با فرهنگ رسمی حاکم			
سنجش فاصله بین انتظارات و واقعیات زندگی جوانان			طرد ذهنی

یافته های پژوهش

سیمای پاسخگویان

۵۱/۶ درصد از پاسخگویان جوان این تحقیق زن و ۴۸/۴ درصد آنها مرد بوده اند که بر حسب اهداف پژوهش، همگی در دامنه سنی ۱۵ تا ۲۹ سال قرار داشته اند (میانگین سنی پاسخگویان = ۲۲/۶۴). ۱۲ درصد از پاسخگویان دارای خانواده تک والد، ۰/۷ درصد تحت سرپرستی خویشاوندان و بقیه، عضو خانواده عادی بوده اند. ۷۳/۷ درصد آنها ساکن تهران یا مراکز استان ها، ۱۸ درصد ساکن شهر کوچکی در استان متبوع و ۸/۳ درصد آنان ساکن روستا بوده اند. ۲۳/۳ درصد پاسخگویان ۱۵ تا ۲۹ ساله دارای سطح سواد راهنمایی، ۱/۴ درصد کمتر از حد راهنمایی، ۲۶/۳ درصد آنان دیپلم، ۴۴/۸ درصد لیسانس (یا دانشجوی مقطع کارشناسی) و ۴/۲ درصد پاسخگویان با تحصیلات بالاتر از لیسانس گزارش داشته اند. میانگین درآمد خانوار پاسخگویان، ۶۹۵۰۶۸ تومان (با حداقل پنجاه هزار تومان و حداکثر دو میلیون تومان) گزارش شده است. این میانگین، برحسب محل اقامت پاسخگویان از ۷۱۴۰۱۴ تومان در مراکز استان ها تا ۵۸۱۰۰۴ تومان در روستاها متغیر بوده است. همچنین، از کل پاسخگویان این تحقیق، ۶۵/۲ درصد غیرشاغل و ۳۴/۸ درصد بقیه شاغل بوده اند که البته ۶۸/۷ درصد از پاسخگویان غیرشاغل، محصلین در حال تحصیل در مدارس و دانشگاه ها بوده اند و ۳۱/۳ درصد پاسخگویان غیرشاغل، نه درحالت حصیل و نه مشغول به کار بوده اند. همچنین، ۲۸ درصد از پاسخگویان غیرشاغل، در زمان پرکردن پرسشنامه به دنبال کار می گشته اند.

توصیف / نتایج متغیرهای اصلی پژوهش

الف. مولفه های طرد عینی

۱- طرد از منابع مادی

این بعد از طرد عینی، همانطور که در جداول ۲ و ۳ نیز مشخص است، شاخص های مادی - اقتصادی را مدنظر قرار داده است:

جدول ۲: توزیع فراوانی نسبی شاخص کل سرانه درآمد خانوار

میانگین	تعداد	خیلی بالا	بالا	متوسط	پایین	خیلی پایین	
۳۴۷/۴۴	۳۶۶۹	۲۱/۹	۹/۵	۲۰/۵	۳۲	۱۶/۱	سرانه درآمد خانوار

جدول ۳: توزیع فراوانی نسبی شاخص محرومیت از منابع مادی پاسخگویان

میانگین (۰-۱۰۰)	تعداد	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	
۳۲/۸۲	۴۳۵۷	۳۴/۵	۱۱/۹	۲۱/۵	۸/۸	۲۳/۲	محرومیت از منابع

همچنین، وضعیت پاسخگویان از لحاظ تجربه طرد و محرومیت مزمن از منابع مادی - که از جمع دو مولفه مذکور ساخته شده- در طول زندگی، بصورت شاخص کل طرد در جدول ۴ آمده است:

جدول ۴: توزیع فراوانی نسبی شاخص کل طرد از منابع مادی- اقتصادی

میانگین (۰-۱۰۰)	تعداد	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	
۳۴/۸۴	۴۳۷۰	۲۷/۸	۲۳/۵	۱۹/۷	۷/۶	۲۱/۴	طرد مادی- اقتصادی

۲- طرد از حقوق اجتماعی اساسی

بنابر رویکرد نظری مبنا، پنج مولفه، جزو حقوق اساسی هر جوان در جامعه و شرایط فعلی شناخته شده که باید از آنها بهره مند باشد. این پنج حق بنیانی عبارت اند از: ۱- حق آموزش مناسب؛ ۲- حق بهره مندی از مراقبت های بهداشتی- درمانی؛ ۳- حق بهره مندی از مسکن؛ ۴- حق بهره مندی از محل زندگی امن و مناسب و ۵- حق ازدواج مناسب و تشکیل خانواده مستقل.

جدول ۵: توزیع فراوانی نسبی شاخص های طرد از حقوق اجتماعی اساسی

میانگین (۰-۱۰۰)	تعداد	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	
۱۲/۱	۴۴۳۸	۲۶/۹	۴۳/۲	۹/۸	۸/۴	۱۱/۶	محرومیت از دسترسی به آموزش

۳۶/۴۰	۴۴۹۵	۳۰/۱	۲۱/۹	۱۹/۳	۰	۲۸/۷	محرومیت از دسترسی به امکانات درمانی - بهداشتی
۴۸/۵	۴۴۶۷	۷/۲	۱۵/۸	۲۸/۲	۲۹/۱	۱۹/۷	محرومیت از مسکن مناسب
۳۳/۶۳	۴۴۸۱	۳۷/۳	۱۴/۵	۱۳/۹	۱۴/۹	۱۹/۴	طرد فضایی (محل زندگی مناسب)
۳۶/۸۶	۳۲۹۱	۱۳/۶	۱۱/۸	۳۱/۷	۱۸/۴	۲۴/۶	طرد از ازدواج در بین مجردان
۲۸/۳۵	۱۲۷۶	۲۳/۷		۲۷		۴۹/۲	طرد از ازدواج مناسب در بین متأهلان

همچنین، وضعیت پاسخگویان از لحاظ تجربه طرد از حقوق اجتماعی اساسی - که از جمع شش مولفه مذکور به دست آمده - در طول زندگی (شاخص کلی) در جدول ۶ آمده است:

جدول ۶: توزیع فراوانی نسبی شاخص کل طرد از حقوق اجتماعی اساسی

خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	تعداد	میانگین (۰-۱۰۰)
۲۰/۱	۲۷/۹	۳۱	۱۸/۴	۲/۷	۴۵۱۹	۳۲/۷۵

۳- طرد از حقوق فرهنگی - اجتماعی - گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

ادغام موثر افراد و گروه های مختلف در حوزه اجتماع و فرهنگ و منظومه ارزشی - هنجاری رایج، یکی دیگر از مواردی است که جریان اصلی هر جامعه از آن بهره می برند. در این تحقیق نیز برای مطالعه کامل ابعاد طرد عینی، بُعد محرومیت از حقوق اجتماعی - فرهنگی که با مولفه های طرد از مشارکت در بازارکار، عدم مشارکت های اجتماعی رسمی و غیر رسمی، نبود کیفیت و امکانات اوقات فراغت و عدم ادغام فرهنگی، عملیاتی شده، مورد توجه و سوال قرار گرفته است.

جدول ۷: توزیع فراوانی نسبی شاخص های محرومیت از حقوق اجتماعی - فرهنگی

میانگین (۰-۱۰۰)	تعداد	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	
۶۶/۶	۴۴۹۰	۵/۷	۱۳/۵	۲۲/۶	۴۳/۷	۱۴/۶	محرومیت از مشارکت یافته اجتماعی سازمان
۳۵/۴۲	۴۴۸۷	۳۶/۲	۲۵/۹	۱۳/۹	۱۷/۶	۶/۴	محرومیت از مشارکت اجتماعی غیر رسمی
۲۵/۱	۴۵۱۲	۲۲/۲	۱۵/۲	۲۸/۲	۱۰/۴	۲۳/۹	محرومیت از اوقات فراغت مناسب
۳۸/۶۰	۴۵۰۵	۱۵/۳	۲۴/۱	۲۶	۱۱/۲	۲۳/۴	عدم ادغام فرهنگی
۳۳/۲۴	۱۷۵۷	۱۸/۸		۴۵/۴	۳۵/۸		عدم مشارکت در بازار کار

همچنین وضعیت پاسخگویان از لحاظ تجربه طرد و محرومیت از ادغام اجتماعی - فرهنگی که از جمع پنج مولفه مذکور ساخته شده، در زندگی (شاخص کلی) در جدول ۸ آمده است:

جدول ۸: توزیع فراوانی نسبی شاخص کل محرومیت از حقوق اجتماعی - فرهنگی

میانگین (۰-۱۰۰)	تعداد	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	
۳۵/۵۵	۴۵۱۸	۳	۱۳/۸	۳۲/۷	۳۰/۲	۲۰/۲	محرومیت از ادغام اجتماعی - فرهنگی

ب. شاخص کل طرد عینی

در پژوهش حاضر، شاخص کلی طرد عینی از ترکیب سه بعد محرومیت مادی، دسترسی ناکافی به حقوق اساسی اجتماعی و عدم ادغام فرهنگی - اجتماعی با روش شاخص سازی ترکیبی ساخته شده است. میانگین این شاخص در بازه ای بین صفر (عدم طرد عینی) تا صد (طرد عینی کامل) برابر با ۳۴ به دست آمده است که نشان از طرد عینی در حد متوسط در میان پاسخگویان جوان جامعه ما دارد (جدول ۹).

جدول ۹: توزیع فراوانی نسبی شاخص کل طرد عینی

میانگین (۰-۱۰۰)	تعداد	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	
۳۴	۴۵۱۹	۱/۴	۲۱/۵	۳۲/۵	۲۴/۵	۲۰	طرد عینی

ج. شاخص کل طرد ذهنی

در پژوهش حاضر، متغیر طرد ذهنی از طریق سنجش فاصله بین انتظارات و واقعیات زندگی جوانان مورد ارزیابی قرار گرفته است. طبق نتایج پژوهش، میانگین این متغیر برابر با ۶۸/۰ به دست آمده که در دامنه خیلی زیاد (۱۰۰) تا خیلی کم (۰)، نشان از احساس طرد شدگی (تصور در حاشیه واقع شدن، فاصله گیری اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی) در حد زیاد (شدید) در میان نوجوانان و جوانان فعلی، علیرغم شمول سیستمی نسبتاً مناسب (میانگین ۳۴ برای شاخص کل طرد عینی) آنان دارد.

جدول ۱۰: توزیع فراوانی نسبی شاخص کل طرد ذهنی

میانگین (۰-۱۰۰)	تعداد	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	
۶۸/۷۱	۳۹۵۶	۰/۲	۲/۸	۳۲/۱	۴۳	۲۱/۹	طرد ذهنی

از سوی دیگر، بر اساس محاسبه "خط طرد" ذهنی (نقطه میانگین شاخص کلی)، قریب نیمی (۴۹ درصد) از جوانان مورد مطالعه، امتیاز بالاتر از حد میانگین شاخص به دست آورده و طبق تعریف، به طور نسبی "مطرود ذهنی" محسوب می شوند. در مقابل، ۵۰/۸ درصد آنان با امتیاز کمتر از میانگین، در گروه غیر مطرودان ذهنی (کسانی که فاقد تصور بیرون ماندگی از جامعه و کلیت سیستم مستقر می باشند) قرار می گیرند. بدین ترتیب، در حال حاضر، نیمی از جوانان مورد مطالعه در سطح ملی، دچار احساس محرومیت نسبی، درحاشیه بودن و مطرودیت "شدید" می باشند که قابل توجه و تامل جدی است.

د. تجربه طرد عمیق

طرد عمیق، اصطلاحی است که محققان جهانی (لویتاس، ۲۰۰۰) برای توصیف افرادی که از طرد در دو یا

چند حوزه مختلف رنج می برند، استفاده نموده اند. در جدول ۱۱، وضعیت پاسخگویان جوان مورد مطالعه به لحاظ وجود یا عدم طرد های چندگانه یا طرد عمیق^۱ نیز آمده است.

جدول ۱۱: توزیع فراوانی و فراوانی نسبی پاسخگویان در تجربه طرد عمیق بر حسب ترکیب مولفه های طرد عینی

کل	طرد در دوازده بعد	طرد در یازده بعد	طرد در ده بعد	طرد در نه بعد	طرد در هشت بعد	طرد در هفت بعد	طرد در شش بعد	طرد در پنج بعد	طرد در چهار بعد	طرد در سه بعد	طرد در دو بعد	طرد در یک بعد	عدم تجربه طرد	ترکیب مولفه های طرد عینی	
														درصد	کل
۱۰۰٪	۰/۱	۰/۷	۳	۵/۷	۸/۴	۱۲/۴	۱۳/۲	۱۵/۸	۱۴/۸	۱۲/۲	۸/۵	۴/۲	۱	درصد	کل
۴۵۲۲	۳	۳۳	۱۳۷	۲۵۶	۳۸۰	۵۶۱	۵۹۹	۷۱۶	۶۶۹	۵۵۲	۳۸۳	۱۹۱	۴۳	تعداد	

همان طور که در جدول نیز مشخص است، تنها ۱/۰ درصد از پاسخگویان جوان (۴۳ نفر) در هیچ یک از سیزده شاخص/مولفه طرد اجتماعی مطرود نبوده اند و حدود ۴/۲ درصد آنان نیز فقط در یک بعد، طرد شده اند. بقیه، یعنی ۹۵ درصد از پاسخگویان جوان جامعه ما نه با طرد که در واقع، با طرد نسبتاً عمیق و عمیق دست و پنجه نرم می کنند. بر این اساس، ۳/۸ درصد از پاسخگویان (۱۷۲ نفر) به طور همزمان از محرومیت در ده، یازده یا دوازده شاخص / مولفه طرد عینی رنج می برند که می تواند به عنوان طرد بسیار عمیق یا "طرد حاد" نامگذاری شود. در نهایت، برحسب محاسبات به عمل آمده (به روش لویتاس) و نتایج تحقیق، به طور میانگین هر پاسخگوی جوان، در ۵ الی ۶ شاخص / مولفه از مجموع سیزده شاخص طرد عینی، مطرود شناخته شده است. (میانگین=۵/۲)

¹ Deep exclusion

روابط دو متغیره (تحلیل همبستگی)

الف. روابط همبستگی ما بین مولفه های طرد عینی

برای آزمون ارتباط بین وجوه مختلف طرد عینی، از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد. بر اساس نتایج جدول، وجوه مختلف طرد عینی با یکدیگر مرتبط اند و این همان چیزی است که در ادبیات طرد آن را مفهوم اتصال می نامند. در اینجا موضوع، شناسایی روابط درونی و متقابل است. (نک: سیسی 1999، موری: 1998 راندلف 1999 به نقل از فارینگتون: 2002) برای نمونه، رابطه بین محرومیت از منابع مادی با سایر مولفه های طرد عینی- به جز طرد از ازدواج در میان متاهلان- معنادار گزارش شده است؛ یعنی افزایش یا کاهش محرومیت از منابع مادی سبب افزایش یا کاهش در وجوه نامبرده می شود.



جدول ۱۲: روابط همبستگی میان مولفه های طرد عینی

طرد از ادغام فرهنگی	طرد فراغت	طرد از مشارکت غیر رسمی	طرد از مشارکت رسمی	طرد از بازار کار	طرد ازدواج متاهلین	طرد ازدواج مجردین	طرد فضایی	طرد مسکن	طرد بهداشتی-درمانی	طرد آموزش	محرومیت از منابع	سرانه درآمد	
	**	**	**		*	**	**	**	**	**	**	۱	سرانه درآمد
**	**	**	**	**		**	**	**	**	**	۱	**	محرومیت از منابع
*			**	*	**	*	**	**	**	۱	**	**	طرد آموزش
**	**	**		**	*	**	**	**	۱	**	**	**	طرد بهداشتی-درمانی
**	**	**	**	**	**	**	**	۱	**	**	**	**	طرد مسکن
**	**	**		*		**	۱	**	**	**	**	**	طرد فضایی
**	**	**	**	*		۱	**	**	**	*	**	**	طرد ازدواج مجردین
	**	**			۱			**	*	**		*	طرد ازدواج متاهلین
**	**	**	**	۱		*	*	**	**	*	**		طرد از بازار کار
**	**	**	۱	**		**		**		**	**	**	طرد از مشارکت رسمی
**	**		**	**	**	**	**	**	**		**	**	طرد از مشارکت غیر رسمی
**	۱	**	**	**	**	**	**	**	**		**	**	طرد فراغت
۱	**	**	**	**		**	**	**	**	*	**		طرد از ادغام فرهنگی

ب. روابط همبستگی ما بین ابعاد طرد عینی و طرد ذهنی

همانطور که در جدول ۱۳ نیز مشخص است، بین محرومیت مادی و نیز محرومیت از حقوق اجتماعی اساسی با طرد ذهنی رابطه معناداری وجود دارد، ولی رابطه بین محرومیت از ادغام فرهنگی - اجتماعی با طرد ذهنی در جمعیت هدف، معنادار نبوده است. براین مبنا، می توان گفت جوانان مورد مطالعه، به قدری درگیر مشکلات مربوط به عدم تکافوی منابع و فرصت ها در تامین حقوق اولیه و اساسی خود هستند که نیازها و مشکلات بعدی از قبیل اوقات فراغت، مشارکت های اجتماعی و ادغام فرهنگی - اجتماعی، در اولویت بندی و نگاهشان رنگ باخته و با احساس طرد شدگی در ذهنیت آنان، همبستگی نشان نمی دهد. از این رو، برای کاهش ضریب طرد ذهنی (احساس مطرودیت) جمعیت جوان نیز، باید ابتدا به اقدامات عملی در جهت رفع مشکلات و تامین نیازهای اصلی آنان از قبیل مسائل مالی، آموزش، بهداشت، ازدواج و مسکن دست یازید.

طبق نتایج جدول ۱۳ و همانطور که انتظار می رفت، شاخص کلی و نیز ابعاد طرد عینی با میزان طرد ذهنی (احساس بیرون بودگی و مطرودیت) در جمعیت هدف، به طور معناداری (باخطای کمتر از یک درصد) با هم همبسته اند.

جدول ۱۳: همبستگی دو متغیره میان ابعاد طرد عینی با طرد ذهنی

طرد عینی (شاخص کلی)	محرومیت از ادغام فرهنگی - اجتماعی	محرومیت از حقوق اجتماعی	محرومیت مادی	ابعاد طرد عینی	
				ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری
۰/۲۲۶ (**)	-۰/۰۱۲	۰/۲۴۰ (**)	۰/۲۴۰ (**)	ضریب همبستگی پیرسون	طرد ذهنی
**	۰/۴۵۰	**	**	سطح معناداری	

بحث و نتیجه گیری

این پژوهش با هدف بررسی و سنجش میزان طرد اجتماعی جوانان و سطوح و ابعاد آن در ایران، در پی به دست دادن تصویر و تحلیلی علم- تجربی از این مسئله در بستر شرایط فعلی جامعه ما و جایگاه جوانان در ساختار اقتصادی، اجتماعی (منابع و فرصت ها) موجود بوده است. در پرتو رهیافت نوین طرد اجتماعی، وضعیت نوجوانان و جوانان در متن زندگی واقعی و شرایط زیست آنان در خانواده، محیط های آموزشی و

اجتماع محلی در مراحل مختلف زندگی، مورد بازبینی، سنجش و ارزیابی قرار گرفته و برحسب شمار وسیعی از شاخص های جزئی و کلی مطرح در چارچوب مفهومی طرد و شمول اجتماعی جوانان، تصویری از محرومیت های زنجیره ای و مزمنی که آنان از گذشته تا به حال به طور عینی و ذهنی تجربه کرده و زندگی آینده آنان را نیز تحت تاثیر قرار خواهد داد، به دست داده شده است.

در چشم انداز طرد اجتماعی، فقر و محرومیت، نه فقط نقطه ای از زندگی فرد یا باصطلاح یک "وضعیت"، بلکه در واقع یک "فرایند" یا جریان پیچیده است و زمانی به وجود می آید که گروه ها یا بخش هایی از یک جامعه، به دلایل اغلب غیر ارادی و ناخواسته و در یک روند تدریجی و انباشتی، دچار زنجیره ای از محرومیت ها یا فقدان های اساسی می شوند و از آنچه برای یک زندگی معمول، سالم و بهنجار فردی و اجتماعی در هر جامعه لازم است، جدا و دور می گردند. افراد و گروه های مذکور بر حسب خصایص، شرایط و حوادثی در گذشته زندگی خود که بین آنان (غیرعادی) و دیگران (عادی) تفاوت ایجاد می کند، از جریان اصلی توزیع منابع و فرصت های اجتماعی، جدا یا بیرون رانده می شوند. این جدا شدگی یا طرد که ماهیت و خصلتی پویا و تجمعی دارد، نه تنها وضعیت فعلی زندگی آنان را به شکل منفی متاثر می سازد، بلکه به آینده آنان و فرزندان شان نیز، جریان و انتقال پیدا می کند و آنها را در معرض خطر، تهدید و آسیب دیدگی جدی قرار می دهد؛ به طوری که گفته شده خلاصی از این تله (تله طرد)، کاری بس دشوار و اغلب ناممکن در سطح فردی و نیازمند اقدامات اصلاحی و مداخله ای فرا فردی در سطح اجتماعی و سیستمی خواهد بود.

جوانان، از جمله گروه های اجتماعی مهمی هستند که محققان مربوطه، مدعی جریان ها و رفتارهای حذف و طرد و عدم حمایت های اجتماعی لازم از آنان در جوامع فعلی، بویژه جوامع در حال توسعه و انتقال هستند. طردی که در نگاه اولیه، بیشتر انکار و کمتر به طور آشکار و محسوس دیده می شود- بیشتر به این دلیل که تصور رایج، جذب و ادغام اجتماعی جوانان در هر جامعه را اصل می پندارد و فرض می گیرد. اما در جامعه شناسی و سیاست اجتماعی معاصر، به قول زیبرا (۱۳۸۵) مفهوم جدید طرد، امکان درک طرز کار معکوس جریان انسجام اجتماعی در شرایط معاصر را فراهم ساخته و می تواند ما را از اشکال پیدا و پنهان طرد و حاشیه نشینی گروه های مختلف جوان، همچون دیگر مطرودان اجتماعی آگاه سازد و با تعاریف جدیدی از ادغام و شمول، درک و دریافت تازه ای از زمینه ها و جریان های عدم شمول و طردشدگی واقعی آنان و تبعات منفی

و آسبایی مسئله، به دست دهد. از این طریق، می توان روشن ساخت که تمامی اشکال طرد، بویژه طرد ذهنی، توسط سایر افراد (غیرمطرودان) و حتی متولیان حوزه سیاست اجتماعی و رفاه، درک و احساس نمی شوند، بلکه برخی گروه های مطرود (از جمله جوانان) در واقع به صورت نامحسوس در اجتماع وجود دارند. نظر به اهمیت شناخت و تحلیل شرایطی که جوانان را در مراحل اصلی زندگی، بویژه مرحله انتقال از جوانی به بزرگسالی، هدف طرد و عدم شمول اجتماعی قرار می دهد، پیمایش حاضر، در رصد ملی وضعیت محرومیت - برخورداری انبوه جمعیت جوان، به بررسی پدیده طرد اجتماعی گروه های جوان شهری و روستایی در قلمروهای مختلف و در وجوه محسوس و نامحسوس آن پرداخته است.

پژوهش حاضر با موضوع طرد اجتماعی جوانان، پژوهشی میدانی و پهنانگر است که به روش پیمایش و با استفاده از تکنیک پرسش نامه در سطح استان های مختلف ایران (شهرها و روستاها) به انجام رسیده است. در این پیمایش تلاش شده که با مد نظر قرار دادن استان هایی با سطوح توسعه متفاوت و هر دو جمعیت شهری و روستایی، تصویر جامعی از کلیت وضعیت طرد و شمول جوانان در جامعه ایران ارائه گردد. جامعه آماری این طرح، جوانان ۱۵-۲۹ ساله خانوارهای معمولی ساکن در ۱۲ شهر مرکز استان و سایر شهرهای غیر مرکز استان (شهر درجه ۲) و روستاهای تابعه، در اردیبهشت ماه ۱۳۹۲ بوده اند که با نمونه ای به حجم ۴۵۲۲ نفر از آنان مصاحبه و در قالب پرسشنامه ساختارمند، اقدام به گردآوری اطلاعات شده است.

بر مبنای مطالعات تجربی و نظری انجام شده، پدیده/ واقعیت طرد اجتماعی به عنوان یک مفهوم چند بعدی، در دو سطح عینی و ذهنی مورد مطالعه قرار گرفته است؛ به لحاظ تئوریک این مفهوم در سطح عینی شامل ابعاد و مولفه های: ۱- محرومیت مادی، ۲- دسترسی ناکافی به حقوق اجتماعی اساسی و ۳- عدم ادغام اجتماعی - فرهنگی بوده است. طرد اجتماعی ذهنی نیز به فاصله واقعیات (وضع موجود) زندگی فرد از انتظارات (وضع مطلوب) او اشاره دارد.

یافته های این تحقیق نشان داده است، پاسخگویان نوجوان و جوان جامعه ما، به علت گسترش خدمات آموزش عمومی (دولتی و خصوصی) در سطح ملی، مقوله طرد از آموزش را کمتر از سایر ابعاد طرد عینی تجربه می کنند (میانگین = ۱۲/۱) - هر چند در سنجش تفصیلی به عمل آمده، همچنان حدود ۳۰ درصد از آنان از خدمات آموزشی لازم / کافی مطرود بوده اند- این در حالی است که میانگین های سایر ابعاد، شامل طرد از

منابع مادی، خدمات بهداشتی، ازدواج و اشتغال، بالاتر بوده و حول و حوش رقم ۳۵ برآورد شده اند. بدین ترتیب می توان نتیجه گرفت، عدم ادغام یا طرد جمیت جوان کشور از آموزش و تحصیل در اثر سیاست های توسعه ای کلان در حوزه آموزش با روندی کاهشی، جای خود را به طرد و محرومیت از منابع مادی، خدمات بهداشتی، ازدواج و اشتغال داده است. بنابراین اگر دولت در دهه های گذشته تلاش کرده است تا با اجباری نمودن تحصیل ابتدایی، مدرسه سازی و نهضت های سواد آموزی و غیره، شمول آموزشی را گسترده تر سازد و بی سوادی و طرد های آموزشی را ریشه کن یا ترمیم کند، هم اکنون باید سیاست رفاه و منابع را صرف تامین نیازهای مادی، اشتغال و ازدواج و خدمات رسانی به جمعیت جوان (و البته سایر شهروندان در گروه های مختلف) در حوزه بهداشت و سلامت عمومی نماید. این نتایج همسو با یافته های صالحی اصفهانی (۲۰۰۷) در پژوهش طرد اجتماعی جوانان در خاورمیانه است که در مورد ایران، به گونه ای واقع گرا و هشدارگونه، می نویسد: "در ۲۰ سال گذشته رشد چشم گیری در دستاوردهای تحصیلی - آموزشی جوانان ایرانی در سرتاسر کشور وجود داشته است که از طریق افزایش نرخ های ثبت نام معلوم می گردد. اما بعد از اتمام مدرسه، جوانان ایرانی با چندین مانع در انتقال به اشتغال روبرو و تحصیل کردگان، با نرخ بالای بیکاری و دوره طولانی بیکار ماندگی (انتظار شغل) رو به رو می شوند. بنابر مشکل اشتغال و دیگر عوامل موثر در دو دهه اخیر، زندگی خانوادگی در ایران نیز تغییرات اساسی کرده است؛ به طوری که طبق آمارهای موجود، با کاهش نرخ باروری، هم مردان و هم زنان، بیشتر ازدواج خود را به تاخیر می اندازند و درصد مردان و زنان ازدواج نکرده بین ۲۵ تا ۲۹ سال به سرعت در حال افزایش است.

بر مبنای یکی دیگر از یافته های این پژوهش، از میان سیزده شاخص طرد عینی، میانگین شاخص های مشارکت های اجتماعی رسمی و طرد از مسکن مناسب، در بازه صفر (عدم طرد) تا صد (طرد بسیار زیاد) بالاتر از رقم ۴۰ به دست آمده که بنابر رده بندی و مقایسه "تجربی" (برحسب ارقام واقعی) نتایج، محرومیتی در حد "بالا" محسوب می شود. میانگین بقیه ابعاد و مولفه ها نیز علیرغم ارقام پایین تر از این، در مجموع، حکایت از طرد واقعی به میزان "متوسط" در میان جمعیت جوان جامعه ما دارد که بنا بر ماهیت طیفی و تفاوت های منطقه ای و استانی، شهری و روستایی، قومیتی، جنسیتی، طبقاتی، گروه های عام و خاص (معلولین، تک والد، خود سرپرست، بی سرپرست و... جوانان) طرد، از یک سو و استانداردهای کیفیت

زندگی نسل جوان و خانواده ها، از سوی دیگر رقمی قابل ملاحظه و تحلیل است- که در این مقاله، نمی توان به آن پرداخت. همچنین، فراوانی مطرودان جوان در هر مولفه/ بعد نیز، باوصف اینکه اغلب کمتر از ۵۰ درصد پاسخگویان را شامل می شود، نشان از عدم شمول یا محرومیت مزمن و پردشدگی قریب نیمی از پاسخگویان جوان در حوزه ها و ابعاد مختلف دارد.

در مقایسه نتایج مربوط به طرد عینی و ذهنی نیز در می یابیم در حالی که میانگین شاخص طرد عینی برابر با ۳۴ گزارش شده، میانگین طرد ذهنی بسیار بالاتر از آن یعنی رقم ۶۸/۷ (دوبرابر) به دست آمده است. با توجه به تعدد عوامل موجب احساس مطرودیت یا طرد ذهنی و بر اساس همبستگی نسبتاً قوی موثق و معنادار به دست آمده میان شاخص های طرد عینی و ذهنی ($r = 0/24$) در این پژوهش، می توان گفت طرد عینی از موجبات اصلی احساس مطرودیت (طرد ذهنی) در میان جوانان مورد مطالعه در جامعه فعلی ما می باشد. در این میان، حدود ۲۷/۳ درصد از پاسخگویان که به لحاظ عینی محروم و مطرود محسوب می شوند، به طور ذهنی هم احساس طرد شدگی و جدایی از جریان اصلی توزیع امکانات و فرصت های موجود در جامعه داشته اند. همچنین، برحسب نتایج تحقیق، ۲۲ درصد از پاسخگویان جوان نیز با اینکه به طور عینی جزو مطرودشدگان به حساب نمی آیند، اما به لحاظ ذهنی، احساس طرد و عدم شمول اجتماعی داشته اند. از این رو می توان گفت مطرودان جوان، در واقع در چرخه ای معیوب دور می زنند؛ به طوری که وقتی شرایط ساختاری کلان در کنار عوامل میانجی (عاملیت های فردی ناقص و ضعیف) مخرب و آسیب زا، آنان را در "تله طرد" محبوس و گرفتار می سازد، خود نیز آغاز به "محروم پنداری" یا احساس مطرودیت بیشتر می کنند و در ارزیابی وضعیت واقعی خود، دچار خطا و کمینه انگاری غیر واقعی و ذهنی می گردند- شمار قابل ملاحظه ای از آنان، شرایط خود را به مراتب بدتر از آنچه هست، می پندارند و ارزیابی منفی می کنند. بعلاوه، فضای مجازی موجود و گسترش ارتباطات جمعی رسانه ای جهانی، به نوبه خود، نظام انتظارات و توقعات جوانان و الگوها و معیارهای ارزیابی آنان را در سطوح ملی تغییر داده و فاصله وضع موجود و مطلوب را در ذهن شمار قابل ملاحظه ای از آنان افزایش بخشیده است. این امر، خود از عوامل مهم موثر بر بالا بودن احساس محرومیت و طرد (ذهنی) در میان عده زیادی از جمعیت نوجوان و جوان جامعه ما می باشد. از سوی دیگر، نقش گروه های مرجع و جریان

مقایسه های اجتماعی در تعریف، ترسیم و تعیین دور نماهای مطلوب تر برای نسل جوان جامعه را نمی توان نادیده انگاشت.

درمجموع و با توجه به یافته های پژوهش می توان نتیجه گرفت معادله طرد اجتماعی جوانان در جامعه ما، حاوی عناصر چندگانه ای است که فقر مادی و مشکلات اقتصادی، تنها بخشی آشکار - هرچند مهم و جدی - از آن است. حقوق اجتماعی و فرهنگی و مطلوب هاب ذهنی نوجوانان و جوانان نیز، ابعاد و عناصر مغفول اما پراهمیت تر این معادله است که تدارک و تضمین واقعی آن، مورد مطالبه جدی آنان می باشد. بدون تامین نیازها، حقوق و وجوه غیرمادی زندگی، حتی شرایط مادی - رفاهی خوب، نمی تواند احساس قرار گرفتن در جایگاه اجتماعی مناسب و کیفیت زندگی مطلوب و هویت اجتماعی - انسانی شایسته را به نسل جوان ببخشد و به آنان اطمینان بدهد که عملکرد نهادهای مختلف (خانواده، مؤسسات آموزشی، محیط های کار و اشتغال، دولت و حکومت و سایر نهادها و سازمان های عام و خاص) به سمت و سویی سازگار با خواست ها، آرزوها، نیازها و حقوق حال و آینده آنان پیش می رود، زیرا چنان که صاحب نظران و محققان بدرستی یادآور شده اند جوهره طرد، فاصله یا محرومیت "اجتماعی" - و نه لزوماً اقتصادی - است که بخش مهمی از آن، ماهیت ارتباطی (ضعف یا عدم تعلق و مشارکت به طور عینی و ذهنی) دارد و در این پژوهش نیز به روشنی آشکار شده است. بنابراین، حل و ساماندهی کلیت مسائل و مشکلات جوانان و حتی مدیریت مسائل مادی - رفاهی آنان نیز در گرو توجه سیاستگذاران اجتماعی به وجه یا عنصر اصلی جذب و ادغام اجتماعی، یعنی تعریف و تعیین جایگاه و افزایش فرصت های مشارکت اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جوانان درون نظام اجتماعی خواهد بود. نتایج پژوهش حاضر از این منظر، منطبق با منطق نظری گفتمان طرد اجتماعی در تعبیر تورن است که می گوید: طرد اجتماعی نه مسئله بالا و پایین، بلکه اساساً مسئله "درون" و "برون" یا به تعبیر دیگر، "متن" و "حاشیه" است.

منابع

- زیبرا، مارتین (۱۳۸۵) نظریه های جامعه شناسی طردشدگان اجتماعی. سیدحسن حسینی. تهران: نشر آن
- قاضی نژاد وهمکاران (۱۳۸۹) " طرد اجتماعی جوانان: علل و پیامدها". طرح پژوهشی، سازمان ملی جوانان.
- معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور (۱۳۸۸) "گزارش اقتصادی سال ۱۳۸۶ و نظارت بر عملکرد سه ساله اول برنامه چهارم". وبگاه معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور.
- Aassave, Arnstein ; Maria Lacovou ; Letizia Mencarini (2006) "**Youth poverty and transition to adulthood in Europe.**" Demographic reaserch.vol:15,article2, pages21-50
- Autio, Sari; Johanna Palovaara (1998) "**Individual Pathways and Life Management**". Finland
- Dean, H. (1997) "**Underclassed Or Undermined? Young People and Social Citizenship**". in MacDonald,R (Ed.) Youth, Social Exclusion and "the Underclass" London : Routledge
- Dhillon, Navtej & Tarik Yousef (2003) "**Inclusion: meeting the 100 million youth challenge, Middle East youth**". Dubai, Initiative, Brookings Wolfensohn center for development, Dubai, school of government.
- Farrington, F. (2002) "**Toward a useful definition: advantages and criticism of social exclusion**". GEOS View, 2001, 1-15. Gere, C. (2002). Digital culture. London: Special edition journals.
- Hanvey, Louise (2003) "**Social Inclusion Research in Canada: Children and Youth**". pages:1-14
- Jehoel-Gijsbers, Gerda; cok Vrooman (2007) "**Explaining social exclusion**". The Netherlands institute for social research/scp.
- Oconnor, William; Jane Lewis (1999)"**Experiences of social exclusion in Scotland**". National center for social research.
- PRIMSA ; "**The impact of lifelong learning policies on the inclusion of vulnerable groups**".
- Salehi –Isfahani, Djavid; Daniel Egel (2007) "**Youth exclusion in Iran**". Brookings Wolfensohn center for development/ Dubai school of government.
- Silver, Hilary (1994) "**social exclusion and social solidarity: Three paradigms**". International Labour Review, Vol. 133, Nos 5–6, pp. 531–78.

- Silver, Hilary (2007)" **the process of social exclusion: the dynamic of an evolving concept**". USA, Brown university
- Smith, Joan (1991) "**Risk, Exclusion, Moral Order and Social Capital – a first theorizing of youth homelessness**". London Metropolitan university
- Undp (2007). Bosnia_And_Hercegovina
- Vrooman, C., Jehoel, G. (2008) "**Said exclusion of the elderly a comparative study of EU member states**". ENEPRI Research Report. NO. 57.



Objective and Subjective Youth Exclusion in Iran

Maryam Ghazinejad

Ph.D., Associate Professor, Social Sciences Department, Alzahra University

Kiana Kalhour

Master degree in Research in Social Sciences, Alzahra University

Fatemeh Rahnama

Master degree in Research in Social Sciences, Alzahra University

Received: 31 Oct. 2015

Accepted: 17 Nov. 2015

Opening the "population window" by young people born in 1980s (baby boom) in Iran, as a transitional and changing society over the last decades, has resulted in challenges for youth welfare and national development, instead of golden opportunity to benefit them, due to lack of earlier and long term planning and policies to support the young generation's needs in life cycle (from childhood to adults). In this context, measurement and providing a comprehensive image of youth situation in Iran, through the new and rights - centered approach named "Social Exclusion/Inclusion" can be useful, as it reveals knowing and assessing youth socio-economic condition and difficulties, moreover, can suggest to policy makers relevant social policies affecting youth affairs.

This paper aims to operationalize and apply "social exclusion" to measure Iranian youth deprivations and insufficient social inclusion/integration in social system as objectively and subjectively. Objective social exclusion is operationalized in 3 dimensions: 1- material deprivations 2- lack of basic social rights 3- lack of socio-cultural integration. Subjective social exclusion has been extracted from the gap between youth's expectations and real life.

This study is a descriptive- explanatory national survey over years 2012 - 2014. The population consisted of 15-29 years old youths. Using the multi-stage cluster sampling method, 4522 participants were selected from 12 provinces. They received the standard - localized questionnaire.

Findings reveal that near the half of youth(45%) participants have been suffering objective social exclusion (mean score 34 in a 0-100 grading scale) over their life course & mean score for subjective social exclusion was about 2 times (68.7%) higher than objective one. Therefore, about half of them (49.2%) had the hard sense of subjective exclusion. Observed differences in levels and dimensions of social exclusion between youths in different groups have been analyzed.

Keywords: Social Exclusion, Objective Exclusion, Subjective Exclusion, Deprivation, Youth and Iran

